

بررسی ایده واریز مستقیم بهای گاز صرفه جویی شده به حساب مردم بر اساس ماده ۴۶ برنامه هفتم پیشرفت

سفره صرفه جویی



گروه اقتصادی: پرسش کهنه‌ای که هر سال با نزدیک شدن سوز زمستان جان می‌گیرد، این است که چگونه می‌توان بدون کم کردن از اسودگی خاطر مردم، این حجم عظیم از سرمایه در حال اتلاف را نجات داد و به چرخه تولید بازگرداند؟ در دهه‌های گذشته، پاسخ مدیران اغلب به نصیحت‌های بی‌پایان، هشدارهای نگران‌کننده و در نهایت بستن شیر گاز صنایع محدود می‌شد؛ شیوه‌ای که نه مصرف خانگی را مهار کرد و نه اقتصاد را از آسیب‌های ناترازی در امان نگه داشت.

چهارم آبان‌ماه، رئیس مجلس شورای اسلامی در جمع رؤسای مجامع استانی دست روی گره اصلی همین معما گذاشت. محمدباقر قالیباف با اشاره به ظرفیت‌های ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت، راهکاری را پیش کشید که پایه‌های ارتباط دولت و شهروندان را در حوزه انرژی دگرگون می‌کند: پرداخت مستقیم و بی‌واسطه بهای گاز صرفه‌جویی‌شده به حساب بانکی خود خانواده‌ها. این نگاه تازه، صورت مساله را دگرگون می‌کند. اگر مصرف‌کننده بداند هوشمندی‌اش در مصرف، مستقیماً به درآمدی ملموس در انتهای ماه بدل می‌شود، رابطه‌اش با مقوله صرفه‌جویی، از یک وظیفه تحمیلی به یک انتخاب عقلانی و سودآور تغییر خواهد کرد.

■ **ترازوی نابرابر در روزگار سرما**

برای درک وسعت این ماجرا باید به ترکیب سید انرژی ایران نگاهی انداخت. در افکار عمومی، بنزین همواره جنجالی‌ترین و حساس‌ترین حامل انرژی بوده است، در حالی که آمارها گواهی می‌دهد سهم بنزین از کل انرژی مصرفی کشور نزدیک ۹ درصد است و این گاز طبیعی است که با سهمی نزدیک ۷۳ درصد، بار اصلی گردش چرخ زندگی و اقتصاد ما را بر دوش می‌کشد. هر تصمیمی برای اصلاح ساختار انرژی اگر گاز را نادیده بگیرد، تیر انداختن در تاریکی است.

در ماه‌های گرم سال، بخش بزرگی از این شعله‌های آبی‌رنگ، کوره نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌ها و صنایع بزرگ را گرم می‌کند و چرخ ارزش‌آفرینی را به حرکت درمی‌آورد اما همین که سوز زمستان از راه می‌رسد، جغرافیای مصرف به ناگاه زیرورو می‌شود. دوم بهمن سال گذشته مصرف گاز در بخش‌های خانگی، تجاری و صنایع خرد به عدد بالای ۷۳۷ میلیون مترمکعب در روز رسید؛ رقمی برابر ۸۵ درصد کل گاز تزریق‌شده به شبکه سراسری. به بیانی ساده، در روزهای یخبندان، تقریباً تمام توان استخراج و انتقال کشور تنها برای گرم نگه داشتن اتاق‌ها و اماکن شهری به کار گرفته می‌شود.

مهر این موج فزاینده از مسیر ساخت پالایشگاه‌های نو و توسعه فازهای تازه، به سرمایه‌گذاری‌های سنگین، سال‌ها زمان و تجهیزاتی نیاز دارد که در تنگنای فشارهای اقتصادی و ضرورت‌های ملی، دستیابی به آنها کاری دشوار است. در سوی دیگر میدان، رفتارهای روزمره شهروندان، از هزرنبدی در و پنجره‌ها تا تنظیم مشعل‌ها قرار دارد که با هزینه‌ای ناچیز و در کوتاه‌ترین زمان، حجمی باورنکردنی از این اتلاف را متوقف می‌کند.

■ **قدرت پنهان یک درجه حرارت**

سعید توکلی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در شهرپورماه ارزیابی تکان‌دهنده‌ای ارائه داد که عمق این توانایی پنهان را آشکار کرد. به گفته او، اگر دمای فضاهای مسکونی و اداری سراسر کشور در زمستان فقط یک درجه سانتیگراد پایین بیاید، روزانه حدود ۲۵ میلیون مترمکعب گاز در شبکه ذخیره خواهد شد. ۲۵ میلیون مترمکعب دقیقاً برابر با خروجی ششانه‌روزی یک فاز کامل از میدان گازی پارس جنوبی است.

اگر این همراهی همگانی در یک بازه زمانی ۳۰ روزه در اوج سرمای زمستان ادامه یابد، نزدیک ۷۵۰ میلیون مترمکعب گاز حفظ خواهد شد. این حجم عظیم می‌تواند تنش خردکننده شبکه سراسری را فروبنشاند و دست‌کم بخشی از خطوط تولیدی را که در زمستان به خاموشی محکوم می‌شوند، روشن نگه دارد. جالب است که برای به دست آوردن این فاز مجازی، نیازی به نصب دکل‌های حفاری در قعر دریا

و هزینه‌کرد میلیاردها دلار منابع ارزی نیست. کلود این مخزن نامرئی، در دست ساکنان همین خانه‌هاست. البته این دآوری منصفانه نخواهد بود اگر تمام بار ناترازی را به گردن مردم بیندازیم. ساختمان‌هایی که بدون عایق حرارتی ساخته شده‌اند، پنجره‌هایی که باد زمستانی از لابه‌لای آنها روزه می‌کشد و مشعل‌های کهنه‌ای که بیشتر گاز را می‌سوزانند تا گرما تولید کنند، همگی در این اتلاف گسترده سهیمند. با این همه، در روزهایی که توسعه میدادن گازی فرصت می‌طلبد، اصلاح رفتار مصرفی سریع‌ترین و دردسترس‌ترین پناهگاه اقتصاد ملی در برابر موج سرماست.

■ **منطق جیب و حساب و کتاب زندگی**

رفتار اقتصادی انسان‌ها در تمام دنیا تابع دو دو تا چهار تای دخل و خرج است. وقتی تعرفه‌های گاز در بخش خانگی سال‌ها پایین نگه داشته شده، طبیعی است که مصرف‌کننده هیچ انگیزه مالی ملموسی برای خرید درزگیر، تعمیر پنجره یا تعویض بخاری فرسوده خود نبیند. در محاسبه‌ای سرانگشتی، هزینه سرویس یک رادیاتور یا خرید یک عایق ساده، گاه از کل رقم قبض گاز یک خانواده در طول چندین زمستان بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی، بی‌تفاوتی مصرف‌کننده ریشه در سستی رفتار او ندارد و محصول مستقیم ساختاری است که به صرفه‌جویی پاداشی در خور نمی‌دهد.

قیمت‌های پارانهای در کشور سبب شده ارزشی که گاز برای شبکه کلان، صنایع پتروشیمی و بودجه عمومی خلق می‌کند، در قبض‌های ماهانه بازتاب نیابد. بنابراین وقتی یک خانواده فداکاری می‌کند و درجه حرارت خانه را پایین می‌آورد، حس می‌کند منفعتی عاید زندگی او نشده و ثمره این رفتار هوشمندانه در پیچ‌وخم‌های اداری و بودجه‌های دولتی گم می‌شود.

پیشنهاد اخیر رئیس مجلس با هدف تغییر دادن این ترازوی نامتوازن مطرح شده است. اگر شهروندی مطمئن باشد کاهش مصرف گاز، معادل سهمی منصفانه از ارزش واقعی آن حامل به پول نقد در حساب بانکی‌اش تبدیل می‌شود، صرفه‌جویی از یک رفتار اخلاقی صرف، به تصمیمی اقتصادی بدل خواهد شد. این تغییر نگرش، هوشمندی در مصرف را در کنار

تلاش روزمره برای تقویت معیشت خانواده قرار می‌دهد. ■ **پلی از کاغذ قانون تا سفره مردم**
مجلس و دولت در این مسیر با زمین بایر قانونی روبه‌رو نیستند. طراحان قانون برنامه هفتم پیشرفت در ماده ۴۶ این قانون، چارچوبی تحت عنوان «گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی» تعریف کرده‌اند. بر این اساس، مشترکان خانگی، اداری و تجاری که مصرف خود را نسبت به زمان مشابه در سال گذشته کاهش دهند، مالکان برگه‌های بهاداری خواهند شد که ارزش انرژی مصرف‌نشده را در خود دارد. این برگه‌ها امکان ورود به بورس انرژی و دادوستد مالی دارند.

آیین‌نامه‌های اجرایی همین قانون را با جلوتر گذاشته و سازوکار خرید تضمینی این گواهی‌ها را تعیین کرده است؛ به این صورت که دولت موظف است این گواهی‌ها را با قیمتی معادل ۵۰ درصد بالاتر از بیشترین نرخ مصوب فروش داخلی همان حامل خریداری کند. این یک گام به جلو به حساب می‌آید اما میان دادوستد اوراق در بورس انرژی و ریخته شدن پول نقد به حساب سرپرست یک خانواده، پرتگاهی عمیق از کاغذبازی اداری وجود دارد. شهروند معمولی که تمام ارتباطش با دنیای انرژی به همان پیامک قبض خلاصه می‌شود، نه زمانی برای فراگیری پیچیدگی‌های بورس دارد و نه توان پیگیری کارگزاری‌ها را. هنر سیاست‌گذار در این مقطع، پنهان کردن تمام این پیچیدگی‌ها در پشت پرده سامانه‌های نرم‌افزاری است، طوری که شهروند تنها نتیجه نهایی، یعنی حجم گاز صرفه‌جویی‌شده و واریز ریالی متناظر با آن را در صفحه تلفن همراه خود مشاهده کند. سادگی فرآیند، شرط اصلی اعتماد عمومی به این طرح خواهد بود.

■ **سنجش عادلانه میان کوهستان و کویر**

طراحی معیارهای سنجش، گذرگاه لیزنده‌ای است که اگر عدالت در آن رعایت نشود، طرح به ضد خود تبدیل خواهد شد. اقلیم پهناور ایران اجازه نمی‌دهد شرایط سرمای چنانکه در گردنه‌های اردبیل با نسیم ملایم زمستانی در بندرعباس با یک چوب‌خط سنجیده شود. حتی درون یک شهر نیز نمی‌توان خانه بزرگ‌متراژ نوساز را با آلونکی بدون پنجره دوجداره در حاشیه شهر در یک تراز نشاند. مقایسه کارکرد کنونی هر مشترک با پرونده مصرف او

البته همه مسیرها به طلا ختم نشد. پیام احمدی در ۵۵ کیلوگرم با عبور از حریفان آمریکایی، هندی و قزاق تا آخرین مرحله پیش رفت اما برابر الدانیز عزیزلی از آذربایجان شکست خورد و نقره گرفت. علیرضا مهدی هم در ۸۷ کیلوگرم پس از ۴ پیروزی، در مسابقه پایانی مغلوب سمن نوویکوف، قهرمان المپیک از بلغارستان شد. این دو نقره، باوجود حسرت شکست آخر، بخش مهمی از امتیازات قهرمانی ایران را تأمین کرد. تلخ‌ترین لحظه فینال‌ها برای علی احمدی وفا رقم خورد. نماینده ۶۰ کیلوگرم با شکست دادن کشتی‌گیران آلمان، رومانی و ازبکستان به مبارزه نهایی رسید و مقابل کوتو گومی از ژاپن ۷-۱ پیش افتاد اما ورق ناگهان برگشت و ضربه فنی نتیجه را تغییر داد. این اتفاق نشان داد در کشتی، پیروزی برتری قابل توجه روی تابلو هم تا سوت پایان ضمانت پیروزی نیست. با این حال، نقره احمدی‌وفا از ارزش فنی راهی که پیموده بود نمی‌کاهد.

۲ مدال برنز نیز حاصل جنگیدن تا آخرین فرصت بود. علی اسکو در ۷۷ کیلوگرم پس از شکست مقابل سائان سلیمان‌اف

آذربایجانی، در دیدار تعیین‌کننده با پیروزی ۴-۳ برابر

نکیف از ازبکستان دست خالی نماند. محمدهادی ساروی،

چهره شناخته‌شده ۹۷ کیلوگرم هم بعد از ناکامی برابر آرتور

کشتی فرنگی ایران با اقتدار و اختلافی تاریخی قهرمان جهان شد؛ ۹ مدال از ۱۰ مدال

فواتر از فتح



که از آمادگی نسل تازه مدعیان حکایت داشت.

فریدین هدایتی نیز در سنگین‌وزن اجازه نداد پرونده طلایی ایران نیمه‌تمام بماند. او از مرحله نخست تا دیدار پایانی، رقبای لیتوانیایی، قزاق، چینی و فنلاندی را شکست داد و در مبارزه برای قهرمانی، داریوز وینک از مجارستان را ۸ بر صفر مغلوب کرد. تسلط نماینده ۱۳۰ کیلوگرم ایران یادآور این واقعیت بود که تیم قهرمان نه‌فقط در دسته‌های سبک و میانی، بلکه در بالاترین وزن نیز برای رقبای برنامه داشت.